

## متن پرسش

سلام بر استاد عزیز: وقتی نگاهی به اطرافیان می اندازم می بینم همه از من (به واسطه دارایی ها و کمک خانواده) جلو زده اند چه از لحاظ مادی و چه از لحاظ معنوی، ولی من در خرج خودم هم مانده ام احساس خوبی ندارم. ۱) آخر به چه امیدی من باید با این سطح توقع بالا که همه از تو خانه و پس انداز می خواهند ازدواج کنم؟ دائم هم فشار می آوردند که چرا کاری نمی کنی؟ شرایط من با بقیه یکسان نیست ولی از تو می خواهند که مثل آنان باشی!! ۲) این بی انصافی است که در بهشت درجه کسی که اوضاع مالی خوبی ندارد با آنکه همه چیز برایش فراهم شده یکسان باشد حتی اگر مومن باشد حتما خیر و صلاح بنده در این حالتی که قرار دارد هست ولی خوب آخه انسان نباید توقع یه زندگی راحت را داشته باشه ۳) حتما می گوید رشد تو در این نداری هست باشه ولی این نداری من باعث تاخیر در ازدواج و کشیدن به گناه و افسردگی شده است ۴) گاهی اوقات نا امید می شوم ولی باز با خود می گویم در طریقت هر چه پیش آید خیر سالک هست ولی باز بقیه رو می بینم که با اینکه سن شان از من کمتر است از من جلو زده اند حس خوبی پیدا نمی کنم. قصد قیاس ندارم ولی خوب واقعا از لحاظ سنی عقب افتاده ام. نمی دانم چه احساسی هست ولی واقعا شرایط سختی هست. در خانه هر کس می روی باید برگردی. لطفا کمی بنده را آرام کنید. با تشکر

## متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: در این که عده ای در به وجود آمدن شرایط پیش آمده که موجب سختی زندگی و سختی ازدواج جوانان شده، گناه کاراند حرفی نیست و مسلماً اینان از زندگی خود بهره ای نمی برند. ولی از طرف دیگر شما نیز مطمئن باشید اگر در مسیر رعایت دستورات الهی قرار بگیرید، گشایش لازم فراهم خواهد شد. قرآن به ما مسلمانان دستور داده است «وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَى مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ ۚ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُعْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ ۗ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» و البته باید مردان بی زن و زنان بی شوهر و کنیزان و بندگان شایسته خود را به نکاح یکدیگر در آورید، اگر آن مردان و زنان فقیرند خدا به لطف و فضل خود آنان را بی نیاز و مستغنی خواهد فرمود و خدا رحمتش وسیع و نامتناهی و (به احوال بندگان) آگاه است. موفق باشید